

بازتبیین مفهوم «صراط» در تفاسیر عرفانی پیش از ابن عربی و مقایسه آن با دیدگاه تفسیری - عرفانی ابن عربی

زینب رامه*
سید حمیدرضا میرعظیمی**
محمود شیخ***

چکیده

مفسران با گرایش عرفانی بر اساس اندیشه و روش عرفانی خویش، مفاهیم مختلفی برای صراط گفته‌اند. مسئله پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و بر اساس منابع کتابخانه‌ای؛ بررسی مفهوم «صراط» در آیات قرآن و تفسیر و تأویل آن از تفاسیر عرفانی پنج عارف پیش از ابن عربی: سهل بن عبدالله تستری، ابوعبدالرحمان سلمی، ابوالقاسم قشیری، رشیدالدین میبیدی و روزبهان بقلی شیرازی و نیز مقایسه اجمالی آن با دیدگاه ابن عربی است. یافته‌های پژوهش گویای آن است که مفاهیم و مصادیق متعددی برای «صراط» ذکر شده است که عبارتند از: هدایت و سعادت، اقامه عبودیت، معرفت حق، مشاهده و مکاشفه، دعوت عام و خاص، سیر و سلوک عارفانه، شریعت الهی. موارد یادشده؛ بیانگر مسیری است که در راستای معرفت حق تعالی، جهت رسیدن به هدایت، تکامل و سعادت انسان مطرح است که می‌توان آن را منطبق با دیدگاه‌های تفاسیر نقلی دانست. دیدگاه ابن عربی در برخی تبیین‌ها از صراط، همسو با دیدگاه عارفان قبل از خود است ولی بر اساس مبنای وحدت وجودی وی تفسیری که از صراط ارائه می‌کند، بر همه موجودات و انسان‌ها چه مؤمن و چه غیرمؤمن منطبق است، هرچند در برخی از تحلیل‌هایش صراط را به عنوان صراط خاص یا صراط محمدیه برای اوحدی از افراد منطبق می‌داند.

واژگان کلیدی

صراط، تفاسیر عرفانی، صراط مستقیم، ابن عربی، عرفان اسلامی، تاویل قرآنی.

*. دانشجوی دکتری عرفان اسلامی و اندیشه امام خمینی رحمته‌الله، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
zeinab.rameh@srbiau.ac.ir

** استادیار گروه اخلاق اسلامی، دانشکده معارف و اندیشه اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
hmirazimi@ut.ac.ir

*** استادیار گروه ادیان و عرفان، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
ma.sheikh@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۸

طرح مسئله

قرآن کریم به‌عنوان آخرین کتاب آسمانی متضمن تمام دستورات دنیوی و آخروی جهت سعادت و هدایت بشر است. «صراط» که از مباحث محوری در زمینه هدایت انسان است، از جمله مفاهیم مورد توجه آیات است که در قرآن کریم بیانگر مصادیق متعددی است. این واژه ۴۵ مرتبه در قرآن کریم به‌کار رفته است که در تمام موارد به‌صورت مفرد ذکر شده است و تشبیه و جمع ندارد. اهمیت واژه «صراط» به‌حدی است که مسلمانان در مهم‌ترین عبادت خویش؛ یعنی نماز، همه روز بارها از خداوند می‌خواهند که آنها را به راه مستقیم هدایت کند. باتوجه به جایگاه کانونی مفهوم «صراط» در قرآن و دین اسلام جهت دستیابی به مسیر هدایت، عرفا توجه ویژه‌ای بدان نموده‌اند و تفاسیر مختلفی ذیل این واژه مطرح شده است. باتوجه به اینکه عرفان نظری و اصطلاحات خاص آن به‌صورت ویژه‌ای پس از ابن عربی تحول پیدا می‌کند، دو بخش پیش و پس از ابن عربی از هم تفکیک شده است. بدین‌جهت در این پژوهش به بررسی و تحلیل دیدگاه پنج مفسر عرفانی پیش از ابن عربی: سهل بن عبدالله تستری (۲۸۳ ق) صاحب *تفسیر القرآن العظیم*، ابوعبدالرحمان سلمی نیشابوری (۳۲۵ ق) صاحب *حقائق التفسیر*، ابوالقاسم قشیری (۴۶۵ ق) صاحب *لطائف الاشارات*، رشیدالدین میبیدی (۵۳۰ ق) صاحب *کشف الاسرار و عده الابرار*، روزبهان بقلی شیرازی (متوفی ۶۰۶ ق) صاحب *عرائس البیان فی حقائق القرآن* پرداخته شده است. در حقیقت این جستار، با گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و پردازش اطلاعات درصدد بررسی و بازتبیین مفهوم «صراط» در آیات قرآن است. به‌عبارت دیگر؛ مسئله پژوهش حاضر یافتن مفهوم «صراط» در آیات قرآن و تفسیر و تأویل آن از تفاسیر عرفانی پنج عارف پیش از ابن عربی به روش تحلیلی و با رویکرد تطبیقی است. نکته قابل ذکر اینکه در باب رویکرد تفاسیر عرفانی از آن جهت که ابن عربی تأثیر بسزایی در روند تفاسیر عرفانی پس از خود گذاشته است؛ می‌توان تفاسیر عرفانی را به تفاسیر عرفانی قبل و بعد از ابن عربی تقسیم نمود. توضیح آنکه تمایز ابن عربی از دیگر تفاسیر در چند محور قابل ارائه است: نخست؛ میزان تأثیرگذاری؛ نوع تأثیراتی که شارحان و مفسران ابن عربی از دیدگاه‌های عرفانی و تأویلی وی یافته‌اند، جایگاه تفسیری ایشان را ممتاز از دیگر مفسران نموده است؛ به نحوی که بسیاری از اهل علم و دین به بررسی و نقادی آثار ایشان پرداخته‌اند.^۱

وجه دیگر تمایز دیدگاه ابن عربی پافشاری به دریافت‌های باطنی و علم وهبی است؛ بر اساس استنباطی که می‌توان از دیدگاه ابن عربی در آثارش دریافت، وی قائل به زبانی رمزی در آیات است و معتقد است در پس الفاظ ظاهری یک زبان و حقیقت رمزی نهفته است، مفسر بایستی از الفاظ ظاهری

۱. جهانگیری، محی‌الدین ابن عربی، ص ۵۵۸.

به این معانی رمزی و زوایای باطنی ناپیدا دست پیدا کند.^۱ نکته دیگر اینکه ابن عربی تدبر و اندیشه در آیات را ناقص و ناتمام می‌داند؛ چرا که معتقد است در اندیشه و تدبر و تفکر، فساد راه می‌یابد. از این رو حقائق را بایستی از طریق فیض و «وهب» به دست آورد. وی در جای‌جای آثارش به این نکته به‌عنوان یک مبنای تأثیرگذار در روش تفسیری‌اش اشاره می‌کند.^۲ لذا در آثار ابن عربی سخن از تاویل نیست، بلکه بیشتر بحث از دریافت معانی القائی یا تلقی روحانی است که مبتنی بر علوم الهی و وهبی لدنی غیبی است.^۳ از این جهت در این پژوهش سعی شده است دیدگاه‌های تفاسیر عرفانی قبل از ابن عربی مورد توجه قرار گیرد تا ضمن جایگاه و میزان تاثیر این تفاسیر بر دیدگاه ابن عربی میزان استقلال دیدگاه تفسیری ابن عربی از آنها روشن گردد.

پیشینه و ضرورت تحقیق

در زمینه اصطلاح و مفاهیم «صراط»، تاکنون کتابی مستقل که جامع آراء مفسران عرفانی به موضوع باشد، نگاشته نشده است؛ اما از میان کتاب‌ها، دو اثر تنها با موضوع پژوهش حاضر تشابه اسمی دارند، اما در روش و محتوا از این پژوهش کاملاً متمایز هستند و هدف و رویکرد دیگری دارند. از جمله کتاب‌ها در این زمینه می‌توان به کتاب *صراط مستقیم* از محمدحسین و کیلی اشاره نمود که در آن ذیل نقد مکتب تفکیک و رد شبهات، به مسئله «صراط» نیز پرداخته است. *صراط‌های مستقیم* نوشته عبدالکریم سروش؛ از دیگر کتاب‌ها در این زمینه است که نویسنده ذیل آن مباحثی را با دلایل عقلی و کلامی درباره اثبات تکثرگرایی دینی مطرح نموده است. مقالاتی نیز پیرامون این بحث نگاشته شده است که در هیچ‌یک از آنها، نظرات مفسران عرفانی متقدم درباره مفهوم «صراط» کار نشده است. از جمله مقالات در این زمینه می‌توان به مقاله: «تأملی بر «صراط مستقیم» از منظر ابن عربی و برخی از شارحان نظریه‌های عرفانی او»، تألیف محمد ابراهیم مالیم و مریم ترکشوند، در مجله ادیان و عرفان اشاره کرد. نویسنده در این مقاله به دیدگاه عرفانی ابن عربی و برخی از شارحان نظریه‌های عرفانی او درباره صراط مستقیم با توجه به آیه ۵۶ سوره هود و نیز به تفاوت میان «الصراط المستقیم» (صراط الله) و «صراط مستقیم» پرداخته است. «صراط مستقیم در تفاسیر قرآن و آثار ابن عربی»؛ نگارش سعید قاسمی پرشکوه و محمدحسین خوانین‌زاده؛ در پژوهش‌نامه معارف قرآنی، از دیگر مقالات در این زمینه است که در آن بعد از بررسی مفاهیم «صراط» و «صراط

۱. نصر، سه حکیم مسلمان، ص ۱۰۹

۲. ابن عربی، *فصوص الحکم*، ص ۲۸؛ همو، *مجموعه رسائل ابن عربی*، ج ۱، ص ۲۶۱، ۲۷۴، ۳۶۰، ۴۶۱، ۶۷۸ و ۷۳۵؛ ج ۲، ص ۲۹۹، ۳۱۶، ۵۲۳ و ۵۹۵؛ ج ۳، ص ۲۵۲، ۶؛ ج ۴، ص ۷ و ۱۶۰.

۳. مالیم، «تأملی بر صراط مستقیم از منظر ابن عربی»، *ادیان و عرفان*، ش ۱، ص ۱۴۱.

مستقیم» در زبان قرآن و تفاسیر مختلف، به واکاوی مفاهیم عرفانی در آثار صوفیه، به‌ویژه ابن عربی پرداخته است. «گام‌های مؤثر در صراط مستقیم انسانیت با تکیه بر آراء امام خمینی» به قلم مرضیه صادقی در مجله پژوهشنامه متین، از دیگر مقالاتی است که به تأثیر و نقش مؤلفه‌ها در گام برداشتن در صراط مستقیم انسانیت از دیدگاه امام خمینی پرداخته است. گام‌های انسان در جهت سیر از طبیعت حیوانی به مقام الهی، از مباحث مورد توجه در این مقاله است. مقاله‌ای با عنوان «مفهوم راه در تفاسیر عرفانی پیش از ابن عربی» نگارش نویسنده حاضر؛ در نشریه حکمت اسرا به چاپ رسیده است که در آن به مفهوم «سبیل» و «طریق» و برخی مفاهیم کم‌کاربردتر از راه در آیات قرآن و تفسیر و تأویل آنها از تفاسیر عرفانی پنج عارف پیش از ابن عربی پرداخته است اما پژوهش حاضر ضمن بررسی جامع مفهوم «صراط»، و بازتیین آن بر اساس دیدگاه پنج مفسر عرفانی متقدم؛ سهل بن عبدالله تستری، ابوعبدالرحمان سلمی نیشابوری، ابوالقاسم قشیری، رشیدالدین میبیدی و روزبهان بقلی شیرازی به صورت ویژه پرداخته که در هیچ‌یک از مقالات یادشده به آن پرداخته نشده است. همچنین در مواردی این مفهوم با مصادیق آن در تأویل عرفانی آنان همراه است. لذا از این حیث پژوهشی مستقل و نوآورانه است. در اصل این پژوهش بیانگر استقلال ویژگی‌های دیدگاه مفسران پیش از ابن عربی در مقایسه با اوست.

معنای لغوی و اصطلاحی صراط

واژه «صراط» از نظر لغت‌دانان، به معنای راه راست،^۱ هموار و آسان گذر،^۲ راه، طریق و راه آشکار وسیع است.^۳ برخی «صراط» را با صاد و با سین خوانده‌اند و هر دو را به یک معنا دانسته‌اند و برخی نیز «صراط» را با سین به معنای جاده و طریق سهل و آسان نامیده‌اند و معتقدند این واژه در اصل «صراط» بوده که به معنای بلعیدن است و چون جاده باز و عمومی با فراخ و وضوحی که دارد، گویی سالک را در کام خود فرومی‌برد و او را پیش می‌برد؛^۴ به همین دلیل به بزرگراه «صراط» می‌گویند. لذا «صراط» با صاد در اصل «سراط» است و تبدیل سین به صاد به خاطر تناسب و نزدیکی مخرج آن با طاء است و «صراط» و «سراط» و «زراط» هر سه به معنای طریق است؛^۵ اما برخی از پژوهشگران لغت، این رأی را ناصواب دانسته، «صراط» را مستقل و غیرمبدل از سراط می‌دانند و معتقدند میان این دو تفاوت زیادی است؛ به این دلیل که «صراط»

۱. راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، ص ۴۸۳.

۲. همان، ص ۴۰۷.

۳. قرشی، *قاموس قرآن*، ج ۳، ص ۱۲۲.

۴. ابن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۳، ص ۱۵۲؛ نیز: طبرسی، *تفسیر جوامع الجامع*، ج ۱، ص ۹.

۵. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۷، ص ۳۴۰.

مشتقات ندارد، اما «صراط» مشتقات گوناگونی دارد.^۱ در کتاب **قاموس قرآن** «صراط» در اغلب آیات به معنای راه خدا، دین حق و شریعت حق و در بعضی آیات به معنای راه معمولی آمده است.^۲ بنا بر نظر طبرسی «صراط» به دین اطلاق شده است؛ زیرا سالکش را به بهشت می‌رساند، همان‌گونه که «صراط»، راهرو و سالکش را به مقصد می‌رساند.^۳ شیخ مفید نیز «صراط» را در لغت طریق و راه دانسته است که به همین جهت دین را «صراط» می‌نامند؛ زیرا راه خیر و ثواب است.^۴ از این رو «صراط» یعنی دینی که راه و روش آن روشن و بدون انحراف و اعوجاج است. همچنین علامه طباطبایی بر این نظر است که «صراط» در لغت به معنای طریق و سبیل بوده و دارای معنای نزدیک به هم هستند، اما از نظر اصطلاح قرآن، «صراط» با استقامت توصیف شده است و کسانی این صراط مستقیم را طی می‌کنند که خدا بر آنان انعام فرموده است.^۵ به باور نگارندگان در مجموع با توجه به معانی ذکر شده می‌توان صراط را راهی دانست که اهلش را به هدف و مقصد رهنمون می‌سازد. از این جهت در قرآن صراط مستقیم به بزرگراهی اطلاق می‌گردد که بدون هیچ انحرافی انسان را به مقصد می‌رساند و جامع و در برگیرنده همه سبیل و طریق‌های رشد و کمال است. به خلاف راه‌های انحرافی که از طریق انحراف انسان را به بیراهه و سقوط (غی) می‌کشاند. البته بعض اهل لغت؛ مقصد این راه را بهشت دانسته‌اند یا راه نعمت داده‌شدگان بر اساس آیات قرآن.

مفاهیم و مصادیق «صراط» در تفاسیر عرفانی قبل از ابن عربی

در تفسیر آیات «صراط» مفاهیم و مصادیق متفاوتی از عارفان متقدم ذکر شده است، از میان آنها نه مورد درخور توجه است که گزارش‌ها بر اساس آنها تنظیم می‌شود.

۱. **هدایت و سعادت**؛ «سعادت و هدایت» یکی از مفاهیم و مصادیق بارز مورد توجه عرفا ذیل معانی «صراط» است که دقت نظر در این مصداق، در راه‌یابی انسان به کمال نقش مؤثری دارد. آنچه در این مطلب حائز اهمیت است، اینکه هدایت دارای دو مؤلفه در مسیر توحید و نبوت است که در ادامه به تبیین این مؤلفه‌ها پرداخته شده است. أبو عبدالرحمن سلمی، از مشایخ و سران صوفیه اهل سنت خراسان در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری،^۶ در **حقائق التفسیر** که از مشهورترین مصنفات اوست، تأویلاتی ذیل

۱. مصطفوی، **التحقیق**، ج ۶ ص ۲۲۸.

۲. قرشی، **قاموس قرآن**، ج ۴، ص ۱۲۳.

۳. طبرسی، **تفسیر جوامع الجامع**، ج ۱، ص ۹.

۴. مفید، **تصحیح اعتقادات الإمامیه**، ج ۱، ص ۱۰۸.

۵. طباطبایی، **المیزان**، ج ۱، ص ۲۸.

۶. سلمی، **حقائق التفسیر**، ص ۴۴۳.

آیات بیان نموده که یکی از آنها ذیل معنای «صراط» است. وی عمدتاً اقوال بزرگان اهل عرفان را جمع‌آوری نموده است و یکی از منابع و مأخذ غنی برای تفاسیر بعد از خود به‌شمار می‌رود.^۱ سلمی ذیل آیات «صراط» بیشتر به نقل قول‌هایی از ابن‌عطا و روایتی از امام صادق علیه السلام استناد نموده است. وی ذیل آیه ۷ سوره حمد به نقل از ابن‌عطا، «صراط» را راه عارفان، اولیاء، ابرار، مریدان و مؤمنان دانسته است. به باور او «صراط» راه عارفان است که خداوند با ایمان و دانش به آنها نعمت داده است.^۲

ابوالقاسم عبدالکریم قشیری، از دیگر عالمان و صوفیان بزرگ اهل سنت در قرن پنجم هجری،^۳ در *لطائف الاشارات* که از مشهورترین تألیفات وی در تصوف است،^۴ به بحث «صراط» پرداخته است. با مطالعه در مقدمه تفسیر این مطلب روشن می‌شود که قشیری به معانی ظاهری واژگان قرآنی چندان اهتمام ندارد، بلکه عمده تلاش وی بر این است با بهره‌گرفتن از جنبه‌های پنهانی الفاظ، به معانی عمیق آن راه یابد.^۵ قشیری ذیل آیه ۷ سوره حمد، «صراط» را راه اولیاء و اصفیاء معرفی می‌کند که خداوند با هدایت به راه مستقیم به آنها نعمت داده است.^۶

۲. **مسیر حق اهل توحید؛** قرارگرفتن در مسیر توحید از اساسی‌ترین راه‌های مسیر هدایت و سعادت انسان است که سلمی در این راستا «صراط» را راه کسی دانسته که جز خدا چیزی نداشته باشد و راه حج برای او باز شده است و این مستقیم‌ترین راه است.^۷ بیشترین تفسیر قشیری ذیل آیات «صراط»، در آیه ششم سوره حمد بیان شده است که آن را راه حقی دانسته که اهل توحید در آن گام برمی‌دارند. به باور او «صراط مستقیم» همان است که ادله توحید به صحت آن گواهی می‌دهد و شواهد حقیقت نیز بدان اشاره می‌کند. او اذعان دارد «صراط مستقیم» سالکش را به ساحت توحید ببرد و صاحبش بر تأثیر عنایت وجود گواهی دهد، به‌گونه‌ای که گمان نکند آن از تلاش و کوشش و جهد خود اوست. از نظر قشیری «اهدنا الصراط المستقیم»؛ یعنی ظلمات احوال‌مان را از ما بزدا تا با انوار قدسی حضرتت از سایه تاریک طلب‌های‌مان روشنایی بجوییم و تاریکی‌های‌مان را از سر ما بلند کن تا در ستارگان آشکار جود و نیکی تو بصیرت یابیم که ما تو را توسط تو و از طریق تو خواهیم یافت.^۸ قشیری ذیل آیه ۴۶

۱. معرفت، *تفسیر و مفسران*، ج ۲، ص ۳۸۸؛ بابایی، *مکاتب تفسیری*، ج ۲، ص ۴۸ - ۴۷.

۲. سلمی، *حقائق التفسیر*، ص ۷۸.

۳. سیوطی، *طبقات المفسرین العشرین*، ص ۶۶ - ۶۵؛ زرکلی، *الأعلام*، ج ۴، ص ۵۷.

۴. ر. ک: کاتب چلبی، *کشف الظنون*، ج ۱، ص ۵۲۰؛ زرکلی، *الأعلام*، ج ۴، ص ۵۷؛ کحاله، *معجم المؤلفین*، ج ۶، ص ۶.

۵. قشیری، *لطائف الاشارات*، ج ۱، ص ۳۳.

۶. همان، ص ۵۰.

۷. آل‌عمران / ۱۰۱؛ سلمی، *حقائق التفسیر*، ص ۸۵.

۸. قشیری، *لطائف الاشارات*، ج ۱، ص ۵۰ - ۴۹.

سوره نور، به اختیار انسان اشاره نموده و بیان می‌دارد که خداوند هر که را بخواهد، هدایت می‌کند و این هدایت به اراده انسان برمی‌گردد که علوم حقیقی را در خود به‌وجود آورده و به آن حقایق دست یابد. وی بر این عقیده است که خداوند آیات را بیان می‌کند و قومی را به‌سوی آن هدایت می‌کند و بر دیگران می‌پوشاند، اما کسی که راه بصیرتش را بسته است، نفعی نخواهد برد.^۱ از نظر وی راهنمایی به راه صحیح که همان راه هدایت است، تنها با بستن تمام مسیرهای دیگر میسر است.^۲

قشیری ذیل آیه ۵۴ سوره حج قائل است که اگر خداوند خیر بنده‌اش را بخواهد، او را با نور حقیقت یاری نموده و با عصمت حسنه نیرومند و استوار نماید تا با حسن بصیرت، میان حق و باطل را تشخیص دهد. بدین جهت شک و تردیدها او را گمراه نمی‌کند و پرده غفلت را از او می‌گشاید.^۳ وی همچنین ذیل آیات ۱۵۳ - ۱۵۲ سوره انعام به ده نکته اشاره نموده است که رعایت آنها موجب سعادت و نیک‌بختی می‌شود و از جایگاه بزرگی که کسب نموده، حظ و بهره می‌برد. این موارد عبارتند از: شرک، ترک نافرمانی و احترام والدین، قتل اولاد از ترس فقر، ارتکاب اعمال غیراخلاقی؛ چه در ظاهر و چه در باطن، قتل نفس، مال یتیم، انصاف در همه امور و صدق در قول و عدل در عمل.^۴ به‌نظر می‌رسد نکات مهم این آیات ارتباط با آیه بعدی آن: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ»^۵ دارد.^۶ قشیری در تفسیر آیه یکم سوره ابراهیم نیز به این حروف قسم می‌خورد این کتابی است که نازل شده تا مردم را از تاریکی جهل به نور دانش و از تاریکی شک به نور یقین خارج کند.^۷ او در فرازی دیگر «صراط» را تبری از نیرو و قدرت تفسیر کرده و بر این نکته تأکید می‌کند که مؤمن در «صراط مستقیم»، از حول و قوه خود بری است و به آنها تکیه نمی‌کند و جز توانایی خداوند را به رسمیت نمی‌شناسد.^۸ به باور او هدایت در «صراط مستقیم» با برائت جستن و تکیه نکردن بر نیرو و قدرت و شهود عین توحید است.^۹

رشیدالدین ابوالفضل میبیدی از دیگر عارفان و مفسران نیمه نخست قرن ششم هجری است که مذهب شافعی و اشعری وی موجب شد که بر اخبار و احادیث شیعه و اهل سنت آگاهی وافری داشته باشد

۱. همان، ج ۲، ص ۶۱۸

۲. انعام / ۱۶۱؛ قشیری، *لطائف الإشارات*، ج ۱، ص ۵۱۵ - ۵۱۴.

۳. قشیری، *لطائف الإشارات*، ج ۲، ص ۵۵۵.

۴. همان، ج ۱، ص ۵۱۱.

۵. انعام / ۱۵۳.

۶. قشیری، *لطائف الإشارات*، ج ۱، ص ۵۱۰.

۷. همان، ج ۲، ص ۲۳۸.

۸. نحل / ۷۶؛ قشیری، *لطائف الإشارات*، ج ۲، ص ۳۱۰.

۹. صافات / ۱۱۸؛ قشیری، *لطائف الإشارات*، ج ۳، ص ۲۴۰.

و در نگارش مهم‌ترین اثرش **کشف الاسرار و عدة الأبرار** که بزرگترین و حجیم‌ترین تفسیر ادبی و عرفانی در زبان فارسی به‌شمار می‌رود، از آنها بهره گرفت. میبیدی کمتر به آراء دیگر مفسران پرداخته و گاه حتی کلام خود را از زبان دیگران بازگو می‌کند؛ در همین خصوص در تفسیر آیه ۶ سوره حمد در معنای «اهدنا» در مورد اینکه مؤمنان از خداوند راه بهشت را مستلث دارند، از قول مفسران آورده است که چنین راهی همان است که آدمیان با عبادت و استعانت از پروردگار خود را در مسیر آن قرار داده و با طلب ثواب که همان بهشت جاوید است، بدان رهنمون می‌شوند، بنابراین در چنین رویکردی «هدایت» به معنای تقدیم و «صراط مستقیم» همان راه بهشت است.^۱ هدایت به دین اسلام،^۲ راه معنوی و راه ثواب و عدل^۳ از دیگر معانی مورد نظر میبیدی است.^۴ او ذیل آیه ۴۳ سوره مریم «صراط» را، دین عدل می‌داند که همان اسلام است و در آیه ۲۲ سوره ملک چنین آورده است: «عدلاً مهتدیان علی صراط مستقیم».^۵ وی در جایی دیگر دعا و تضرع مؤمنان را به راه و روش اصحاب کهف تعبیر می‌کند که آنها این گونه از خداوند طلب می‌کردند.^۶ در بخشی دیگر میبیدی افزون بر تأکید به محکم بودن در «صراط مستقیم» است، از آن به منهج صواب و سبب نجات و رسیدن به نعیم و سعادت جاودان نام می‌برد.^۷

ابومحمد روزبهان بن ابی‌نصر، بقلی شیرازی از دیگر عارفان و صوفیان بزرگ قرن ششم، از پیشوایان سلسله روزبهانیان، در میان مکاتب صوفیانه دیدگاهی بر مبنای عشق و زیباپرستی ارائه داده است که بنابر آن، یکی از راه‌های مهم رسیدن آدمیان به کمال را عشق معرفی کرده است. وی تفسیری با عنوان **عرایس البیان فی حقائق القرآن** دارد که جایگاه ارزنده و کم‌نظیری در تاریخ تفاسیر عرفانی و شناخت عرفان عاشقانه دارد. این کتاب با رویکرد تفسیر اشاری و بر اساس آراء و عقاید بزرگان صوفیه و مبتنی بر تأویل آنها در زمان پختگی او و پس از طی سیر و سلوک به نگارش درآمده است.^۸ ازسویی، اندیشه بسیار انتزاعی و ذهنی روزبهان در به‌کارگیری خیال‌پردازی و تصویرگری در قالب عبارات تشبیهی و استعاری، موجب تمایز این تفسیر نسبت به تفاسیر عرفانی دیگر گردیده است. ذهبی می‌گوید معانی عجیب و غریبی در این کتاب دیده می‌شود که نمی‌توان آن را مدلول و شمول الفاظ و تفاسیر قرآنی تلقی کرد و

۱. میبیدی، **کشف الاسرار و عدة الأبرار**، ج ۱، ص ۱۸.

۲. نور / ۴۶؛ نحل / ۱۲۱؛ میبیدی، **کشف الاسرار و عدة الأبرار**، ج ۵، ص ۴۶۸؛ ج ۶ ص ۵۵۴.

۳. یس / ۶۶.

۴. میبیدی، **کشف الاسرار و عدة الأبرار**، ج ۸، ص ۲۳۸.

۵. همان، ج ۶ ص ۵۰.

۶. میبیدی، **کشف الاسرار و عدة الأبرار**، ج ۱، ص ۳۶.

۷. انعام / ۱۵۳؛ میبیدی، **کشف الاسرار و عدة الأبرار**، ج ۳، ص ۵۵۳.

۸. شاهرودی، **ارغنون آسمانی**، ص ۲۷۵.

معقول نیست که مراد خداوند از خطابش به امت اسلام چنین مطالبی باشد.^۱ روزبهان از تمامی آیات «صراط»، تفسیری ارائه نداده است و تنها به تفسیر و تأویل برخی آیات پرداخته است و گاه با عقیم‌گذاشتن بخشی از تفسیر آیه به سراغ آیات دیگر می‌رود.^۲ رویکرد فلسفی روزبهان در تفسیر آیه دوم سوره فتح مؤید این نکته است که «صراط» همان مشیت ازلی است. به باور وی حرکت در مشیت حق از سوی حادث در جهان قدم امکان‌پذیر نیست؛ بلکه به تعبیر فلسفی این موجود، قدیم است که می‌تواند در قدم سلوک نماید. روزبهان اشاره غیرمستقیم به معراج پیامبر ﷺ دارد؛ تعبیر روزبهان صیغه‌ای عرفانی و رازآلو دارد، اما آنچه به مفاهیم بشری درک می‌شود، آن است که خداوند در شب معراج اگر قوت ازلی‌اش پایداری پیامبر را نمی‌افزود، ایشان هرگز نمی‌توانست در وادی قدم حق گام بردارد.^۳ «صراط» در اندیشه روزبهان ذیل آیه ۲۲ سوره ملک به معنای توحید به کار رفته است؛ چنان که مؤمن هدایت یافته بر «صراط مستقیم» همان کسی است که بر مسیر توحید قرار دارد.^۴

۳. راه صدیقان و انبیا؛ قرار گرفتن در مسیر نبوت یکی دیگر از عوامل رشد و تعالی انسان است که در آیات قرآن، راه انبیا در طول راه خدا و در اطاعت از خدا قرار دارد و راه انبیا نشئت گرفته از راه توحید است. از مفاهیم «صراط» در اندیشه قشیری، درباره پیامبر اکرم ﷺ است؛ او معتقد است پیامبر اکرم ﷺ هم بر صراط مستقیم است و هم دیگران را به صراط مستقیم هدایت می‌کند.^۵ همچنین اظهار می‌دارد که تلاش کن و بر خدا توکل کن و بر چیزی که امری شدی، بایست و محکم باش که تو بر صراط مستقیم هستی^۶ و ذیل آیه ۲ سوره فتح بر این امر تأکید می‌کند که خداوند تو را بر صراط مستقیم ثابت قدم نموده است و از طریق تو انسان را به سوی حق هدایت می‌کند.^۷ میبیدی «صراط مستقیم» را ذیل آیه ۴ سوره یس صلهٔ مرسلین می‌داند.^۸ از منظر میبیدی راه به سوی خداوند بسیارند؛ برخی راست و نزدیکتر و برخی دورترند. از این رو مؤمنان پیشتر به بهشت می‌روند و از خداوند، این راه - که راه انبیا و صدیقان و شهیدان است - را تمنا دارند و در مقابل، گروهی سال‌ها از آنها دیرتر رسند.^۹

۱. ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۲۸۲.

۲. بقلی شیرازی، تفسیر عرائس البیان، ج ۱، ص ۱۱۹

۳. همان، ج ۳، ص ۳۱۴.

۴. همان، ص ۴۴۲.

۵. یس / ۴؛ قشیری، لطائف الإشارات، ج ۳، ص ۲۱۱.

۶. عر زخرف / ۴۳؛ قشیری، لطائف الإشارات، ج ۳، ص ۳۶۹.

۷. همان، ص ۴۱۸.

۸. میبیدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۸، ص ۱۹۸.

۹. همان، ج ۱، ص ۲۱ - ۲۰.

۴. **طریق عبودیت؛** اقامه عبودیت از دیگر مفاهیم و مصادیق «صراط» است که مورد توجه عارفان است. بنا بر نظر میبیدی ذیل آیه ۱۲۶ سوره انعام «صراط مستقیم» به معنای اقامه عبودیت به کار رفته است.^۱ ذیل این آیه میبیدی نیز بر همین نظر است.^۲ نگرش کلی میبیدی به آیات «صراط» به دو معنا بیان شده است؛ یکی به معنای طریق: مطلق راه^۳ و راه جهنم^۴ و وجه دیگر به معنای دین.^۵ میبیدی تعبیر دیگری نیز ذیل تفسیر برخی از آیات «صراط» به کار برده که دال بر این مفاهیم است. او ذیل آیه ۴۱ سوره حجر «صراط مستقیم» را اخلاص بنده و طریق عبودیت بیان می کند و معتقد است هیچ کس به راه راست هدایت نمی شود، مگر به توفیق و ارشاد خداوند.^۶

البته چنین عبودیتی مظاهری دارد؛ از مظاهر بارز اقامه عبودیت، اقرار به وحدانیت و یکتایی خدای متعال است. میبیدی «صراط» را به معنای راه راست ذکر می کند و در آیه ۵۱ سوره مریم تصریح دارد که راه راست، پرستش و اقرار یگانگی خداست.^۷ همچنین به معنای راه مستقیم^۸ تفسیر شده است؛^۹ او از قول برخی از مفسران چنین می آورد: «این مثل کافر و مؤمن است؛ کافر خیر نگوید و نکند و نفرماید و مؤمن به توحید فرماید و بر دین حق خواند و بر منهج شریعت و حقیقت راست رود». نیز گفته شده مقصود خدا از این مثل ها این است تا بداند خدا واحد است و سزاوار نیست کسی شبیه او شود.^{۱۰}

راه مستقیم در بخشی از تفاسیر روزبهان در مفهوم سیر و حرکت به کار رفته است؛^{۱۱} این سیر که در منظومه فکری او، حرکت در عالم ذات و صفات پروردگار است، ماهیتی درونی دارد. به باور وی خداوند خود را در همه افعال بر دل اولیای خود آشکار کرده و آنان را به سوی این راه حرکت می دهد. چنین راهی که پروردگار از هر انحراف و لغزش مادی مبرا ساخته است،^{۱۲} همان راه عبودیت و شناخت حق است که خداوند آن را در شأن و اندازه هر کسی قرار نداده است، بلکه تنها کسانی که خداوند آنان را به عبودیت

۱. قشیری، لطائف الإشارات، ج ۱، ص ۵۰۱ - ۵۰۰.

۲. میبیدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۳، ص ۴۸۶.

۳. اعراف / ۸۶

۴. صافات / ۲۳.

۵. حمد / ۶؛ انعام / ۱۲۶ و ۱۵۳؛ میبیدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۳، ص ۶۷۶.

۶. میبیدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۵، ص ۳۰۹.

۷. همان، ج ۲، ص ۱۲۶.

۸. نحل / ۷۶؛ طه / ۱۳۵.

۹. میبیدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۵، ص ۴۱۹ - ۴۱۸؛ ج ۶، ص ۲۰۰.

۱۰. همان، ج ۵، ص ۴۱۹ - ۴۱۸.

۱۱. هود / ۵۶.

۱۲. بقلی شیرازی، تفسیر عرأس البیان، ج ۲، ص ۱۲۵.

نائل کرده، می‌توانند به الوهیت وصل شوند. در این کلام روزبهان می‌توان تا حدی رایحه وحدت وجود را نیز استشمام کرد؛ چنان‌که در ادامه آورده: «کل از او آغاز شود و کل به او باز آید، آنچه بوده است و آنچه خواهد بود و آنچه در مورد و ملکوت است در تصرف اوست؛ بدان عارفانش را و آنچه از دلایل صنع و ربوبیت او در آن است، به مشاهده جلال او و عظمت کبریایش هدایت نماید.^۱ وی در غالب این تفاسیر از مفهوم «صراط» با معانی‌ای چون: معرفت، مشاهده، مکاشفه، قرب، رویت، ازل، فنا، تجلی، حب و ... یاد کرده است؛ چنان‌که در آیه ششم سوره حمد، «صراط» را راه مستقیم صدق و اخلاص دانسته و بر این باور است که خداوند چنین راهی را شرط عبودیت بندگان قرار داده است.^۲

۴ - ۵. توجه به نعمت‌های الهی؛ کتاب تفسیر *حقائق التفسیر* سلمی متضمن تأویل تمام سوره قرآنی است، اما تفسیر تمام آیات نیست. سلمی ذیل آیات «صراط» در معنای راه بیشتر به نقل‌قول‌هایی از ابن عطا و روایتی از امام صادق علیه السلام استناد نموده است، درحالی‌که از دیگر عارفان تفسیری در مورد «صراط» دیده نشده است. وی از نگاه ابن عطا ذیل آیه ۷ سوره حمد می‌آورد: «صراط راه عارفان، اولیاء، ابرار، مریدان و مؤمنان است».^۳ قشیری ذیل همین آیه «صراط» را راه اولیاء و اصفیاء معرفی می‌کند که خداوند با هدایت به راه مستقیم به آنها نعمت داده است.^۴ او از مشایخ دیگر آورده است: «راه کسانی است که به آنها نعمت داده‌ای تا خورشیدهای معرفت‌هایشان، نور ورع‌شان را خاموش نکند و حکمی از احکام شرعی را ضایع ننماید».^۵

۶. معرفت حق؛ معرفت و شناخت حق، از دیگر مصادیق مورد توجه عرفا در معنای «صراط» است که قائلان بر این نظریه، سلمی و روزبهان بقلی بوده‌اند. سلمی ذیل مبحث آیات «صراط»، در معنای راه به نقل‌قول‌هایی از امام صادق علیه السلام استناد کرده است. از منظر امام صادق علیه السلام «صراط» به معنای شناخت و معرفت به خداوند است^۶ که موجب بی‌نیازی از همه مردم می‌شود.^۷

اما پرسش قابل طرح در اینجا آن است که مصادیق چنین معرفتی چیست؛ در نظر اول معرفت به حق امری کلی و مبهم است ولی بررسی دیدگاه مفسران نشان می‌دهد که تا حدی مصادیق چنین معرفتی را

۱. همان.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۸.

۳. سلمی، *حقائق التفسیر*، ص ۷۸.

۴. قشیری، *لطائف الإشارات*، ج ۱، ص ۵۰.

۵. همان، ص ۵۱.

۶. حمد / ۷؛ سلمی، *حقائق التفسیر*، ص ۲۲.

۷. آل عمران / ۱۰۱؛ سلمی، *حقائق التفسیر*، ص ۲۶.

تبیین نموده‌اند به عنوان نمونه روزبهان بر این اندیشه مصر است که «صراط»، شناخت صفات حق تعالی و فنا و بقای در ذات اوست، به‌گونه‌ای که این شناخت بی‌نیاز از هر علت است و با هر اشاره‌ای امکان تحقق دارد.^۱

روزبهان در ادامه بحث ذات و صفات، با پیش‌کشیدن مقوله سعادت و شقاوت انسان، در فحوایی عرفانی به جبری اشاره می‌کند که در ازل سرنوشت انسان را رقم زده است.^۲ وی در این خصوص باور دارد آنچه آدمیان را به انجامی نیکو می‌رساند، همانا اهل صدق و راستی بودن در محبت حق است و صراط مستقیم راهی است که به این محبت راهبر است. روزبهان در تکمیل جهان‌بینی خود درباره «صراط»، به سه‌گونه راه اشاره می‌کند: «راه مستقیم؛ راه افعال او به نعت فکرت برای عقل‌ها و راه صفات او به نعت محبت برای دل‌ها و راه ذات او به نعت معرفت برای روح‌هاست».^۳ وی آن‌گاه بر این نکته اذعان می‌کند که آدمیان در ازل پیش از ایجاد شأن انسانی به معرفت خود، چنین راهی را برگزیدند و پس از ایجاد این شأن، با هدایت حق به چنین راهی رهنمون شدند.^۴ نگرش جبری روزبهان را در تعبیر زیرکانه وی که از کلام شیطان می‌آورد، به خوبی می‌توان مشاهده کرد؛ وی در این خصوص هرچند به این نکته اذعان دارد که راه در ازل بر انسان نشانده شده است، اما چنانچه قهر الهی اقتضا کند، شیطان می‌تواند این راه را بر انسان مسدود کرده و با وسوسه و به نیروی قهر الهی وی را از راه مستقیم بازدارد.^۵ شیرازی در تعبیر دیگر، «صراط» را منازل معرفت و حسن ادب در خدمت، معرفی کرده که دست‌یابی به چنین جایگاهی که خود مقامی والا محسوب می‌شود، خاص انبیاء، اولیاء و مقربان حق است که در زمره عارفان قرار دارند.^۶

برخی دیگر از دیدگاه‌های تفسیری بیش از آنکه بر متعلق معرفت پافشاری کنند بر راه و روش معرفت؛ یعنی شهود اصرار دارند و صراط را بر اساس این رویکرد تفسیر کرده‌اند. اساس و شیوه تفسیر قشیری با تکیه بر روش اهل اشارت و احوال اهل معرفت صوفیه و تهذیب نفس است؛ وی تهذیب نفس را به‌عنوان مهم‌ترین اصل در درک اشارات عرفانی می‌داند که با پاک‌ی درون انسان ارتباط دارد و خداوند توفیق درک این علم را در دل بندگان برگزیده خود که قدم در راه سیر و سلوک گذاشتند و قلب خود را از

۱. نساء / ۶۸؛ بقره / ۱۷۹؛ تفسیر عرئس البیان، ج ۱، ص ۲۵۹.

۲. انعام / ۳۹.

۳. بقره / ۱۷۹؛ تفسیر عرئس البیان، ج ۱، ص ۳۰۶.

۴. انعام / ۸۷؛ بقره / ۱۷۹؛ تفسیر عرئس البیان، ج ۱، ص ۳۸۱.

۵. بقره / ۱۷۹؛ تفسیر عرئس البیان، ج ۱، ص ۴۲۰.

۶. همان، ص ۲۵.

غیر خدا تجرید می‌کنند، قرار می‌دهد.^۱ همچنین در جای دیگر «صراط مستقیم» را شهود رب با صفت انفراد در همه اشیاء، در ایجاد و تسلیم شدن بر قضایایی دانسته که پنهانی بر قلب انسان ملزوم است، بی‌آنکه کراهتی بر حکم وارده داشته باشد.^۲ وی در بخش دیگر از دیدگاهش بر اساس نوع مسیر و راهی که سالک برای طی طریق حق بر می‌گزیند و بر اساس خود سالک به اقسام سالکان اشاره و بر اساس آن صراط را تفسیر می‌کند آنجا که در تفسیر صراط مستقیم، به انواع و اقسام راه‌ها اشاره دارد؛ چنان‌که به راه عوام و خواص و خاص‌الخاص تقسیم شده است. او معتقد است راه مسلمانان به شرط علم یقین به راه عوام اشاره دارد، راه مؤمنان به شرط عین‌الیقین به راه خواص و راه نیکوکاران با توجه به شرط حق‌الیقین به راه خاص‌الخاص.^۳

سلمی نیز ذیل آیه ۱۵۳ سوره انعام «صراط» را راهی دانسته است که از قلب به سوی خدا با دور شدن از غیر خدا به وجود می‌آید، تفسیر نموده است.^۴ به اذعان نگارندگان ویژگی دیدگاه تفسیری عرفان تمرکز بر روش قلبی و تمرکز بر مشاهده قلبی است از این رو همسو کردن مقوله محبت و معرفت در تفسیر «صراط مستقیم» گام دیگری است که روزبهان در تفسیر خود برداشته است؛ در این تعبیر روزبهان چنین راهی - راه صفات به ذات که با معرفت و کشف حاصل می‌شود - را بهترین راه مستقیم به حق می‌داند؛ زیرا به تعبیر وی از هر اضطراب نفس و القای شیطانی پیراسته و مبراست.^۵ نکته دیگر در کلام روزبهان منشأ راه قلبی است که انسان بر اساس آن به معرفت و طی طریق می‌پردازد. در اصل صراط که راه قلبی و شهودی مبتنی بر محبت و معرفت است در پرتو خواست و مشیت الهی محقق می‌شود. لذا وی در رویکرد تفسیری‌اش معتقد است که «صراط مستقیم» راه انسان به سوی خداوند تلقی نمی‌شود، بلکه این راه، راهی است که خداوند برای انسان آن را باز می‌گشاید. گویا در این تئوری روزبهان می‌کوشد با طرح جهان‌بینی عرفانی خود «صراط» را نه تلاش انسان برای رسیدن به پروردگار که شفقت الهی برای دوستان و یاران حق توصیف و تعبیر کند.^۶ در فرازی دیگر، برای بیان ویژگی «از اویی» بودن «صراط مستقیم» آن را خاص‌ترین راه کشف و معرفت به سوی حق می‌داند، چنان‌که تنها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را برای این راه از میان خلایق برگزید و با قراردادن اسرار خویش در بن جان وی، سبب پرواز

۱. قشیری، *لطائف الإشارات*، ج ۱، ص ۴۱.

۲. مؤمنون / ۷۳؛ قشیری، *لطائف الإشارات*، ج ۲، ص ۸۵۸۲.

۳. قشیری، *لطائف الإشارات*، ج ۲، ص ۹۱ - ۹۰.

۴. سلمی، *حقائق التفسیر*، ص ۲۸.

۵. انعام / ۱۲۶.

۶. بقلی شیرازی، *تفسیر عرائس البیان*، ج ۱، ص ۳۹۸ - ۳۹۷.

روح وی در عوالم ملکوت و جبروت شد. در اصل روزبهان با بیان مصداقی چنین تفسیری از صراط را در باره پیامبر خداوند صادق می‌داند که خداوند او را به چنین امری رهنمون ساخته است. عبارات روزبهان در تفسیر آیه ۱۶۱ سوره انعام به معنای همان عصمت پیامبر ﷺ است.^۱

از دیگر مفسرانی که همسو با روزبهان صراط را بر روش بار نموده است میبیدی است که با نگرش ذوقی و اشاری خود «صراط مستقیم» را تزکیه نفس از آفات و تحلیه نفس به خیرات و نیز ذکر احوال دوستان و رضای خداوند در حق ایشان دانسته است.^۲ شاید بتوان اذعان کرد که میبیدی بیشتر بر ابزار معرفت پای می‌فشارد تا راه و روش معرفت و سلوک الهی.

۷. دعوت عام و هدایت خاص: از دیگر معانی مورد توجه مفسران عرفانی دعوت خاص و عام است که در باب صراط آورده‌اند؛ به عنوان نمونه سهل بن عبدالله تستری از دیگر عارفان صوفی قرن سوم هجری؛ نخستین نویسنده پرکار صوفیه است که آثار بسیاری به وی نسبت داده‌اند.^۳ وی در حوزه تفسیر عرفانی نخستین مؤلفی است که در یک جلد آن هم به زبان عربی و به شیوه صوفیان^۴ توسط شاگردش عبدالجبار بلدی نوشته شده است.^۵ در روش‌شناسی تفسیر تستری عبارت‌ها غالباً به شکل نقل قول غیرمستقیم از تستری ذکر شده است.^۶ وی در تفسیر آیات «صراط» در دو مورد به دعوت اشاره نموده است؛ نخست در آیه ۵۲ سوره شوری اشاره به دعوت به سوی نور هدایت دارد^۷ و دیگری در آیه ۲۵ سوره یونس قائل به دعوت عام و هدایت خاص است. تستری تصریح دارد که رد مشیت در باب هدایت از سوی خداوند بیان شده که در علم سابق خداوند وجود دارد.^۸ در نگاه تستری دعوت عام الهی با هدایت خاص او قرین شده است و این دو در کنار هم معنای صراط را شکل می‌دهند. از عرفای دیگر ابونصر سراج است که در کتاب *اللمع*، به همین مطلب اشاره نموده است.^۹ سهل بن عبدالله قائل است که هر آنچه در جهان هستی است، از پیش در علم سابق و ازلی خداوند بوده و فقط با کلمه «کن» به مرحله ظهور و بروز می‌رسد و انسان نیز از این قاعده مستثناء نیست. او معتقد است برخی در معرض هدایت خداوند قرار

۱. همان، ص ۴۰۸ - ۴۰۷.

۲. میبیدی، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، ج ۱، ص ۳۸.

۳. ر. ک: ابن ندیم، *الفهرست*، ص ۲۶۳؛ کاتب چلبی، *کشف الظنون*، ج ۲، ص ۱۱۹۳؛ زرکلی، *الأعلام*، ج ۳، ص ۲۸۴.

۴. آتش، *مکتب تفسیر اشاری*، ص ۵۹.

۵. تستری، *تفسیر التستری*، ص ۱۵.

۶. همان، ص ۱۲.

۷. همان، ص ۱۳۹.

۸. همان، ص ۷۶.

۹. طوسی، *اللمع فی التصوف*، ص ۱۷۴.

می‌گیرند، اما به‌خاطر حکم ازلی راه هدایت بر آنها بسته می‌شود و اگر در سابق علم خدا مشمول رحمت باشد، برکات نصیب او خواهد شد.^۱ البته تحلیل چنین نگاه جبرگرایانه با دعوت عام الهی به سختی قابل توجیه است ولی چنین دیدگاه جبرگرایانه‌ای مبتنی بر مبانی عرفانی ایشان قابل تفسیر و بررسی است. میبیدی درباره آیه موردنظر، دیدگاه دیگری دارد، او معتقد است مقصود از «صراط»، دعوت عام و خاص است. او برای درک این مطلب سخنانی از مفسران دیگر می‌آورد که دعوت عام به‌واسطه رسول و از حیث تکلیف بر دین اسلام و طاعت است و دعوت خاص بدون واسطه رسول و خداوند آنها را از روی تشریف به دارالسلام دعوت می‌کند.^۲ از این جهت میبیدی بین ابزار هدایت که از طریق دعوت افراد به سوی حق رهنمون می‌شوند و حقیقت هدایت که مبتنی بر مشیت و خواست الهی رقم می‌خورد، تفکیک قائل شده است. بررسی تفاسیر دیگر نشان می‌دهد که مفسران بر اساس دیدگاه خود مصادیقی را بیان کرده‌اند که بیشتر به عنوان ابزار و عامل هدایت می‌توان از آنها یاد کرد، لذا در تفسیر اغلب آیات «صراط» مصادیقی چون: اسلام، دین خدا و دین اسلام،^۳ دین پاک، کیش‌پسندیده، قبله حق^۴ بیان شده است و در برخی آیات به‌معنای دعوت به صراط مستقیم است که سالک را به مقصد می‌رساند.^۵ البته میبیدی در موضعی «صراط مستقیم» را به اسلام تعبیر نموده که خداوند با ارشاد و رسول، دعوت به هدایت می‌کند.^۶

۸. راه سلوک؛ سیر و سلوک عارفانه از دیگر مفاهیم و مصادیقی است که ذیل واژه «صراط» مورد توجه است و عرفا با سیر و سلوک به مسیر حقیقی پی برده و در راه تکامل از آن بهره می‌برند. از نظر قشیری «صراط مستقیم» همان است که کتاب و سنت بدان راهنماست و بدعت در آن سلطنت و حجتی ندارد و به آن سیبل ندارد.^۷ روش‌شناسی *کشف الأسرار* مؤید این نکته است که مفسر با کنار هم نهادن چند آیه، در سه مرحله به تفسیر و تأویل آیات پرداخته است^۸ و بیش از هر چیز مبنا و صبغه‌ای صوفیانه دارد، بی‌تردید چنین نگرشی در تفاسیری که وی از آیات مربوط به «صراط» ارائه داده است، نیز صدق می‌کند؛

۱. تستری، *تفسیر التستری*، ص ۴۸، ۷۶، ۳۹، ۴۶، ۹۱ و ۱۳۱.

۲. میبیدی، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، ج ۴، ص ۲۷۷ - ۲۷۶.

۳. ذیل آیات: انعام / ۳۹، ۸۷ و ۱۶۱؛ ابراهیم / ۱؛ حج / ۲۴؛ میبیدی، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، ج ۳، ص ۳۴۴، ۵۳۹ و ۴۱۶؛ ج ۵، ص ۲۲۴؛ ج ۶ ص ۳۵۱.

۴. بقره / ۱۴۲؛ میبیدی، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، ج ۱، ص ۳۸۵.

۵. مؤمنون / ۷۳ و ۷۴؛ سبا / ۶؛ میبیدی، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، ج ۶ ص ۴۴۸؛ ج ۸، ص ۱۰۵.

۶. شوری / ۵۳ - ۵۲؛ میبیدی، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، ج ۹، ص ۳۸.

۷. قشیری، *لطائف الإشارات*، ج ۱، ص ۵۰ - ۴۹.

۸. میبیدی، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، ج ۱، ص ۱؛ ج ۱۰، ص ۵۳۰.

چنان که بنابر تحقیق، او از تمامی آیات مربوط به «صراط» به ارائه تفسیری گاه مبسوط^۱ و گاه مجمل^۲ پرداخته است.^۳ از نظر وی «صراط» راه دست‌یابی به سلوک است که هرکسی توفیق و شایستگی پیمودن مسیر سلوک را ندارد، مگر کسانی که اهل استقامت برای خدا و با خدا هستند و چیزی جز او نمی‌خواهند و برای خود درجه یا مقامی نمی‌دیدند؛^۴ در اصل میبیدی برای سالکان راه حق ویژگی‌هایی خاص بیان می‌کند و در عبارات خود این ویژگی‌ها را به شکل تشکیکی و ذومراحل می‌داند. میبیدی در نوبت دوم در آیه صد و یکم سوره آل‌عمران، مقامات سالکان را برشمرده - اعتصام و تفویض و توکل و استسلام - و اولین آن مقامات را برای اهل بدایت، «اعتصام» و آخرین مقامات را برای اهل نهایت «استسلام» دانسته است.^۵ البته لازم به یادآوری است که میبیدی تفسیری از «صراط» ارائه نداده است. میبیدی در موضعی دیگر «صراط مستقیم» را بدایت و نهایت تفسیر نموده و معتقد است مراد از «بدایت»، سنت و جماعت و مقصود از «نهایت»، انس و دوام مشاهدت است.^۶ همچنین در نوبت سوم آیه ششم سوره حمد معتقد است که این آیه مشتمل بر دعا، سؤال، تضرع، ابتهاج مؤمنان و طلب استقامت و ثبات در دین است.^۷

البته کسانی مثل روزبهان بر خاص بودن سالکان راه سلوک تمرکز می‌کند و آن را ویژه افرادی خاص بر می‌شمرد؛ در اصل وی با صراحت بیان در تعریف «صراط مستقیم» از راهی که عارفان در آن گام نهاده‌اند، سخن می‌گوید؛ او در توصیف این راه از عبارت‌های عرفانی بهره گرفته است و «صراط مستقیم» را مسیر خواص حق دانسته است که با نور و هدایت او آن را طی می‌کند.^۸ در تفسیر آیه ۴۳ سوره زخرف، نقدی بر مقلدان اهل ظاهر می‌زند که با نشناختن اهل عرفان آنان را آزار داده و حقانیت معارف و مکاشفات آنان را زیر سؤال می‌برند. به‌واقع راه مستقیم در این عبارت روزبهان، راه عارفانی است که هر چند به تعرض اهل ظاهر مورد دشمنی قرار می‌گیرند، اما از یاری خداوند سبحان برخوردار شده و قلبشان به یاری حق آرامش می‌گیرد.^۹ در برخی عبارات روزبهان، «راه» معیاری برای تقسیم انسان‌ها آمده است؛ چنان که در آیه ۱۲ سوره یونس آدمیان را به سه دسته سالکان، مجذوبان و عارفان تقسیم کرده است؛ وی

۱. بقره / ۱۱۳؛ زخرف / ۶۴؛ میبیدی، *کشف الأسرار و عمدة الأبرار*، ج ۱، ص ۳۵۸؛ ج ۳، ص ۵۲۵ - ۵۲۴.

۲. بقره / ۱۴۲؛ انعام / ۱۵۳.

۳. میبیدی، *کشف الأسرار و عمدة الأبرار*، ج ۲، ص ۵۶۴؛ ج ۹، ص ۶۱.

۴. مؤمنون / ۷۳؛ سلمی، *حقائق التفسیر*، ص ۱۴۲.

۵. میبیدی، *کشف الأسرار و عمدة الأبرار*، ج ۲، ص ۲۳۹ - ۲۲۲.

۶. انعام / ۱۶۱؛ میبیدی، *کشف الأسرار و عمدة الأبرار*، ج ۳، ص ۵۴۳.

۷. میبیدی، *کشف الأسرار و عمدة الأبرار*، ج ۱، ص ۳۵.

۸. شوری / ۵۳ - ۵۲؛ بقلی شیرازی، *تفسیر عرائس البیان*، ج ۳، ص ۲۷۴.

۹. بقلی شیرازی، *تفسیر عرائس البیان*، ج ۳، ص ۲۸۰.

بر آن است که «صراط مستقیم» راهی برای صادقان خواص است که با همت خود می‌توانند بدان راه یابند.^۱ لازم به ذکر است که برای واژه «سبیل» نیز این معنا در تفاسیر یادشده آمده است.^۲

۹. **شریعت و قوانین الهی**؛ انطباق این مصداق بر صراط از جمله مواردی است که زمینه پیوند شریعت و حقیقت را در این مشرب تفسیری فراهم آورده است. در اصل تفسیر صراط مبتنی بر شریعت می‌تواند به عنوان مصداقی از شواهد پیوند دین و عرفان باشد، لذا شریعت و قوانین الهی از دیگر مفاهیم و مصداق مورد توجه ذیل واژه «صراط» است که بر مبنای تفاسیر صورت گرفته، اغلب قائلان بر این نظر هستند. تستری ذیل آیه ۱۵۳ سوره انعام قائل بر راه مستقیم بدون بدعت است^۳ و نیز تبعیت از شریعت و قوانین اسلام است.^۴ مؤلف **لطائف الاشارات** مکرر در تفسیر آیات قرآن بر شریعت تأکید کرده و صوفیان را به رعایت آن توصیه می‌نماید. در آیه هفتم سوره حمد، اشاره به انجام احکام شرع می‌نماید، لذا در تفسیر قشیری «شریعت» جایگاهی پررنگ دارد. در جایی به این نکته می‌پردازد که راه مورد رضایت و مرضی است و آن راهی که گواه بر آن همراه با شریعت سلامت است و در حقیقت انکاری در آن وجود ندارد.^۵ تأکید این نکته در این مقام ضروری است که اصرار قشیری در **لطائف الاشارات** بر این است که اشارات عرفانی و مباحث تصوف را به گونه‌ای کنار هم قرار دهد که بین علوم حقیقت در اصطلاح متصوفه و علوم شریعت توافق برقرار سازد.^۶ از این رو تفسیر قشیری استمرار تفسیر باطنی صوفیه و مبتنی بر تأویلات است و تلاش وی برای توافق میان علوم حقیقت و علوم شریعت بوده است.

تذکار میبیدی به این نکته که «صراط مستقیم» همان شرایع اسلام و فرایض و سنن دینی است که خداوند بندگانش را بدان‌ها امر فرموده و اجرای آنها را شرط رستگاری آدمیان قرار داده است، می‌تواند بیش از هر چیز حاکی از روح شریعت‌محور وی باشد.^۷ این مطلب را آن‌گاه که به ذکر اقوالی از مشایخ و بزرگان علوم قرآن و حدیث و عرفان پرداخته است، بیشتر می‌توان درک کرد. در همین خصوص، ذیل آیه ۶ سوره حمد در قولی از ابوالعالیه آورده که «صراط مستقیم» همان راه حج است.^۸ میبیدی ذیل آیه ۱۶ سوره مائده

۱. همان، ج ۲، ص ۷۵.

۲. رامه، میرعظیمی و شیخ، «مفهوم راه در تفاسیر عرفانی پیش از ابن عربی»، *حکمت اسراء*، ش ۳۹، ص ۱۱۷ - ۸۵.

۳. تستری، *تفسیر التستری*، ص ۶۴.

۴. اعراف / ۱۷؛ ملک / ۲۲؛ تستری، *تفسیر التستری*، ص ۶۵ و ۱۷۳.

۵. قشیری، *لطائف الاشارات*، ج ۲، ص ۵۳۷؛ روزبهان، *تفسیر عرائس البیان*، ج ۲، ص ۵۳۵.

۶. همان، ج ۱، ص ۵؛ همان، ۱۲۷.

۷. میبیدی، *کشف الأسرار و عده الأبرار*، ج ۱، ص ۱۹.

۸. همان.

«صراط» را به شریعت و قرآن تفسیر نموده است.^۱ از نگاه او مراد از «صراط» راهی است که پیامبر اکرم ﷺ بر آن قرار دارد. از قول ابن مسعود «صراط» را قرآن می‌خواند.^۲ او قائل است تمسک به قرآن و تلاوت صحیح و رعایت دستورات آن و اجتناب از حرام‌های آن، دینی است که انحراف و کجی در آن نیست.^۳ در تفسیر آیه ۱۵۳ سوره انعام پس از ذکر نکاتی از مباحث علوم قرآنی ادامه می‌دهد که دین من، دین حنیفی را می‌خواهد که از ادیان دیگر اقوم است. او با مددگرفتن از آیه ۱۵۱ سوره انعام به دستورات خداوند مانند شریک قرار ندادن برای خدا، احسان به پدر و مادر، نکشتن فرزند و ... می‌پردازد^۴ و در تکمله مفهوم «صراط» به نسخ در شرایع می‌پردازد و آن را بر سه اصل بیان می‌کند که مراد از کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم ﷺ، قول خداوند: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»^۵ و اجماع مسلمانان با استناد به آیه: «وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ»^۶ است. میبیدی در فرازی علت وصف دین اسلام به ملت ابراهیم ﷺ را به جهت رغبت بیشتر مردم به آن دانسته است؛ به دلیل اینکه همه ادیان از عرب و عجم حضرت ابراهیم ﷺ را بزرگ می‌دانند و به دین منسوب به وی تمایل دارند.^۷

مشرب عرفانی روزبهان هرگز در تفسیر او مانع از اولویت قراردادن شریعت نبوده است؛ چنان که در جای جای تفسیر خود راه مستقیم را همان عبادت پروردگار و گام‌نهادن در مسیر عبودیت حق معرفی کرده است.^۸ از سوی دیگر، روزبهان با الهام از آیه ۱۵۳ سوره انعام، گویا که در جاده شریعت گام برمی‌دارد و به این نکته اذعان می‌کند که «صراط مستقیم»، همان بندگی به درگاه حق و اطاعت از کلام الهی است که مقدمه‌ای در پیرایش درون و در نهایت به مشاهده حق منتهی می‌گردد؛ این راه چنان که وی بدان اشاره کرده، طریقی است که خداوند بندگان خود را بدان توصیه کرده و درخواست کرده است تا در هنگام مصائب و سختی‌ها با چنگ زدن بدان به شناخت ربوبیت نائل شوند.^۹ البته معانی و کاربردهای دیگری از «شریعت» در آیات قرآن آمده است.^{۱۰}

۱. همان، ج ۳، ص ۷۱.

۲. انعام / ۱۲۶؛ میبیدی، کشف الأسرار و عمدة الأبرار، ج ۳، ص ۴۸۲.

۳. زخرف / ۴۳؛ میبیدی، کشف الأسرار و عمدة الأبرار، ج ۹، ص ۶۵.

۴. میبیدی، کشف الأسرار و عمدة الأبرار، ج ۳، ص ۵۲۵ - ۵۲۴.

۵. نحل / ۴۴.

۶. نساء / ۱۱۵.

۷. انعام / ۱۶۱؛ میبیدی، کشف الأسرار و عمدة الأبرار، ج ۳، ص ۵۴۰ - ۴۳۹.

۸. بقره / ۶۱؛ بقره / ۱۷۲؛ میبیدی، تفسیر عرائس البیان، ج ۳، ص ۱۷۲.

۹. بقره / ۱۷۲؛ میبیدی، تفسیر عرائس البیان، ج ۱، ص ۴۰۶.

۱۰. میرعظیمی، تشریح و تبیین دین در قرآن و سنت، ص ۱۱۳ - ۹۰.

تبیین دیدگاه ابن عربی

چنان که بیان شد ابن عربی با ارائه الگوی جدیدی از تفسیر تأثیر متفاوتی را بر آراء بعد از خود گذاشته و روش متفاوتی را در تفسیر آیات الهی بیان می‌کند که حاکی از دیدگاه رمزگون بودن آیات الهی و دریافت حقائق الهی به شکل «وهبی» است که مخصوص «اهل الله» است. در این صورت دیدگاه وی در تفسیر آیات الهی و به ویژه تفسیر «صراط» نیز چنین تمایز را نشان می‌دهد. البته ابن عربی بسته به نوع آیات و واژگانی که به صراط اضافه می‌گردد، دیدگاه‌های متفاوتی را ارائه می‌کند ولی می‌توان دیدگاه وی را در دو بخش برشمرد؛ برخی دیدگاه‌های وی با دیدگاه‌های مفسران عرفانی قبل از خود همسو و برخی از دیدگاه‌ها متمایز و متفاوت از دیدگاه گذشتگان است؛ از این جهت به این دو محور اشاره می‌گردد. از پس اقسام صراط که ابن عربی تحت عناوینی چون: صراط الرب، صراط الهدی، صراط الله بیان می‌کند بین آنها قائل به تمایز است، هرچند همه آنها را صراط مستقیم می‌داند.^۱ بر اساس نوع تفسیر و تحلیلی که از اقسام گفته شده بیان می‌دارد، برخی را به راه‌ها و عوامل هدایت و شرایط آن تفسیر می‌کند و در برخی مصادیق دیدگاه‌های خاص خود را که بر اساس کشف رموز آیات دریافت کرده است، بیان می‌کند. از نمونه اخیر کشفی است که وی بر اساس دریافت و مشاهده خاص حضرت هود بیان می‌کند که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

۱. **وجه تشابه؛ دیدگاه ابن عربی در تفسیر صراط ذیل برخی از آیات قرآن با برخی از مفسران عرفانی** پیش از خود همسوست. به عنوان نمونه نگرش ابن عربی در تفسیر صراط به اینکه «صراط هدی» امری است که به وسیله اعمال صالحه بنا می‌شود که هر چند در دنیا صورتی ندارد ولی در آخرت به عنوان پلی از جهنم عبور می‌کند.^۲ با نگرش کلی میبیدی به آیات «صراط» - که آن را به عنوان راه جهنم می‌داند^۳ - همسوست؛ تبیین دیگر وی از صراط ذیل آیه ۴۱ سوره حجر که «صراط مستقیم» را اخلاص بنده و طریق عبودیت بیان می‌کند^۴ با چنین دیدگاهی از ابن عربی هم افق است.

در اصل در برخی تبیین‌های ابن عربی از صراط مسیر گذشتگان مشهود است ولی به هر روی نوع مبانی او اقتضا می‌کند در عین شباهت در برخی مصادیق دیدگاه وی از دیگر دیدگاه‌های عرفانی طرح شده متمایز گردد. در واقع ابن عربی در برخی موارد در تفسیر صراط روی به دیدگاه‌های گذشتگان می‌آورد، آنجا که صراط را مبتنی بر اعمال صالح و عبودیت و حتی راه توحید تفسیر می‌کند ولی در برخی

۱. قاسمی پرشکوه و خوانین‌زاده، «صراط مستقیم در تفاسیر قرآن و آثار ابن عربی»، *معارف قرآنی*، ش ۱، ص ۳۵.

۲. ابن عربی، *تفسیر ابن عربی*، ج ۲، ص ۱۳.

۳. صافات / ۲۳.

۴. میبیدی، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، ج ۵، ص ۳۰۹.

از تبیین‌ها بر اساس مشرب وحدت وجودی خود صراط را امری عمومی، همگانی و مبتنی بر وجود مطلق که در تمام موجودات سریان دارد، تفسیر می‌کند. به عنوان نمونه وی در تبیین واژه صراط ذیل آیه «واتبعون هذا صراط مستقیم»^۱ را طریقه محمدیه و دین اسلام می‌داند.^۲ همان‌طور که در دیدگاه‌های طرح‌شده در تفاسیر عرفانی قبل از وی چنین دیدگاهی از طرف کسانی چون: قشیری و میبیدی نیز نقل شده که صراط درباره پیامبر اکرم ﷺ است؛ او معتقد است پیامبر اکرم ﷺ هم بر صراط مستقیم است.^۳ وی چنان‌که بیان شد ذیل آیه ۲ سوره فتح بر این امر تأکید می‌کند که خداوند تو را بر صراط مستقیم ثابت‌قدم نموده است و از طریق تو انسان را به سوی حق هدایت می‌کند.^۴ میبیدی نیز «صراط مستقیم» را ذیل آیه ۴ سوره یس صلهٔ مرسلین می‌داند.^۵

۲. وجوه تمایز؛ تفسیر ابن عربی از صراط مبتنی بر مبانی خاص عرفانی اوست. بر این اساس در فص هودی ذیل آیه ۵۶ سوره هود: «إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» دیدگاه خاص خود را بیان می‌کند؛ بر اساس این دیدگاه ابن عربی همه موجودات را بر طریق و صراط حق می‌داند و هیچ موجودی را مغضوب و ضالین نمی‌داند؛ چرا که موجودات را ناچار از حرکت در طریق حق می‌داند. از این‌رو هم مسئله ضلالت و گمراهی انسان‌ها و هم غضب و عذاب الهی را نیز امری عارضی می‌داند؛ از این جهت همه موجودات مشمول رحمت الهی‌اند.^۶ با چنین تفسیری دیگر صراط به معنای خاصش مشمول بندگان خاص خدا یا مقربان درگاه الهی نیست. کشف چنین حقیقتی مبتنی بر نظام عرفانی ابن عربی است که همواره و در جای‌جای مباحثش از آن دم می‌زند و چنین دریافتی از آیه را امری موهوبی می‌داند.

وی برای چنین تقریری از «صراط مستقیم» دلایلی را بیان و چنین حقیقتی را کشف حضرت هود ﷺ می‌داند و اساساً چنین مطلبی که همه جنبنندگان بر اساس ولایت تکوینی الهی بر صراط مستقیم هستند را بشارتی از جانب خداوند می‌داند. خوارزمی در توضیح بشارت ابن عربی آورده است: «کدام بشارت خلق را

۱. زخرف / ۶۱.

۲. ابن عربی، تفسیر ابن عربی، ج ۲، ص ۲۴۰.

۳. یس / ۴.

۴. قشیری، لطائف الإشارات، ج ۳، ص ۲۱۱.

۵. همان، ص ۴۱۸.

۶. میبیدی، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۸، ص ۱۹۸.

۷. فکل ماش فعلی صراط الرب المستقی فهو غیر مغضوب علیهم من هذا الوجه ولا ضالون. فکما کان الضلال عارضا كذلك الغضب الإلهی عارض، والمآل إلی الرحمة التي وسعت کل شیء، وهي السابقة. وكل ما سوي الحق دابة فإنه ذو روح. وما ثم من یدب بنفسه وإنما یدب بغيره. فهو یدب بحکم التبعية للذي هو علي الصراط المستقیم، فإنه لا يكون صراطا إلا بالمشي علیه. (ابن عربی، تفسیر ابن عربی، ص ۱۱۰)

عظیم‌تر از این تواند بود که همه نواصی بدست رب بود و همه بر صراط مستقیم باشند.^۱ چنین نگاهی از ابن عربی را می‌توان بر اساس مبانی عرفانی وی توجیه نمود؛ چرا که وی معتقد است همه موجودات بر اساس هدایت رب خویش به سوی غایات و کمال خویش حرکت می‌کنند. از این رو کمال موجوداتی که دچار عذاب الهی می‌شوند، در رفتن به جهنم نهفته است و این نیز بر اساس مشیت الهی در حق بندگان رقم می‌خورد.

عبور از ظاهر آیات الهی و بیان چنین دیدگاه‌هایی مبتنی بر مبانی خاص ابن عربی است که رمز معانی و حقایقی است که صرفاً بر اهل الله عارض شده و آنها به چنین حقایقی دست می‌یابند.

ابن عربی در تفسیر دیگری که از صراط مستقیم بیان می‌کند، معنای متمایزی را ایراد می‌کند. وی در تبیین صراط مستقیم آن را «صراط الله» معرفی می‌کند، صراطی که سرانجام و پایان آن به حق می‌رسد و از نظر وی ما تنها یک صراط مستقیم نداریم بلکه صراط‌های مستقیم داریم و همه صراط‌ها از نظر وی مستقیم است و همه موجودات بر صراط مستقیم‌اند. وی در همان فص هودیه فصوص معتقد است صراط مستقیم از آن خداوند است که در عموم موجودات ظاهر است و از این جهت رحمت واسعه الهی همه موجودات را فراگرفته است. چنین نگاهی جبری و تکوینی به مقوله صراط و چنین دریافتی از مسئله بر اساس مبانی خاص ابن عربی قابل توجیه است. در اصل چنین استنتاجی مبتنی بر این مبناست که خداوند را در کل موجودات جاری و ساری می‌داند و همه موجودات را مظاهر حق می‌داند. ابن عربی از چنین صراطی به «صراط وجود» تعبیر می‌کند که در آن مؤمن و کافر و دیگر اصناف خلق یکسانند و بر آن حرکت می‌کنند؛ برخلاف «صراط توحید» که آن را ویژه مؤمنان می‌داند و برای مشرکان بهره و نصیبی از چنین صراطی قائل نیست و آن را مخصوص اولیای خاص می‌داند.^۲ البته چنین صراط خاصی را دیگر عرفا نیز آنچنان که بیان شد برای صراط قائلند و صراط را به معنای راه توحید می‌دانند که بیانش گذشت.

نکته دیگر اینکه تعبیر ابن عربی در فتوحات متفاوت است و تفسیری که از صراط بیان می‌کند مسبوق به سابقه نیست؛ مثلاً در تفسیر صراط معتقد است صراط راه توحید است که مستلزم عدالت در نفس و محبت در قلب و شهود وحدت در روح است.^۳ در اصل ابن عربی در تفسیر صراط به توحید با برخی از عرفای پیش از خود هم‌داستان است ولی در تفسیر صراط توحید به سه مؤلفه عدالت، محبت و شهود وحدت، متفاوت و متمایز است. نگاه وحدت وجودی او منجر به چنین تفسیری از صراط شده است.

۱. خوارزمی، شرح فصوص الحکم، ص ۳۸۵.

۲. ابن عربی، الفتوحات المکیه، ج ۱، ص ۳۱۵.

۳. همو، تفسیر ابن عربی، ج ۲، ص ۷۰.

اینها نمونه‌هایی از دیدگاه‌های ابن عربی در باب صراط است. نکته آنکه برخی دیدگاه ابن عربی را در باب تفسیر صراط در ۴ معنای «صراط الله، صراط الرب، صراط العزه یا صراط العزیز و صراط الخاص یا صراط محمد» بیان کرده‌اند^۱ که می‌توان رویکرد عرفانی ابن عربی را در هر کدام از اینها پی گرفت.

نتیجه

دیدگاه تفاسیر عرفانی قبل از ابن عربی را می‌توان مبتنی بر احادیث و روایات طرح‌شده ذیل آیات تفسیر نمود. در تفسیر تستری آیات «صراط» به معنای: راه مستقیم بدون بدعت؛ تبعیت از شریعت و قوانین اسلام؛ دعوت به سوی نور هدایت؛ دعوت عام و هدایت خاص آمده است.

سلمی در معنای «صراط» طبق روایاتی از امام صادق علیه السلام به معنای شناخت و معرفت به خداوند؛ به نقل از ابن عطا به معنای راه عارفان و اولیاء و ابرار و مریدان و مؤمنان؛ اشاره نموده است؛ قشیری عمدتاً از اصطلاحات عرفانی بهره برده است و معنای اقامه عبودیت در پیشگاه حقیقت ربوبیت، شهود رب با صفت انفراد (وحدت)، راه توحید و گواه تفرید، راه سالکان، راه اولیاء و اصفیاء که خداوند با هدایت به راه مستقیم به آنها نعمت داده است، دانسته است که همه معانی به همان راه توحید برمی‌گردد.

میبدی «صراط مستقیم» را همان شرایع اسلام و فرایض و سنن دینی دانسته که می‌تواند بیش از هر چیز حاکی از روح شریعت‌محور وی باشد. در این راستا از اصطلاحات صوفیانه مانند: عبودیت، ربوبیت، حقیقت، طریقت، اعتصام و تفویض و توکل و استسلام و انس و مشاهده و تسلیم بهره گرفته است. میبدی نخست به صورت اجمالی به دو معنای طریق و دین اشاره نموده، سپس ذیل آیات «صراط» به تفصیل بیان می‌کند که درحقیقت دال بر این مفاهیم است. از نظر میبدی صراط مستقیم راه اخلاص بنده و طریق عبودیت، راه راست و مستقیم، راه معنوی و هدایت به سوی راه ثواب و عدل، راه انبیا، دین اسلام، دین قیّم و ... معنا نموده است که تمام معانی دلالت بر معنای طریق دارد که مراد از آن اسلام است.

روزبهان در غالب این تفاسیر با معانی همچون: معرفت، مشاهده، مکاشفه، قرب، رویت، ازل، فنا، تجلی، حب و ... یاد کرده است؛ صراط را راه مستقیم صدق و اخلاص دانسته که خداوند چنین راهی را شرط عبودیت بندگان قرار داده است. روزبهان در تفسیر صراط به منازل معرفت و حسن ادب، محبت و محل معرفت حق که خاص انبیا و اولیاء است، و مقامی که در باور وی از نمونه‌های اعلی و بارز صراط مستقیم است نیز اشاره نموده است. در حقیقت این معانی اشاره به مسیر بندگی به درگاه حق و اطاعت از کلام الهی دارد که همان طریق توحید و راه عبودیت و شناخت حق است. راه در اندیشه روزبهان از مصادیق معرفت حق است.

بررسی دیدگاه ابن عربی می‌تواند نقاط مشترک و متمایز دیدگاه وی را از عرفای پیش از خود روشن سازد؛ جایی که برخی تفاسیرش از صراط همسو با دیدگاه‌های کسانی چون: قشیری، میبیدی و دیگر مفسران عرفانی است، تفسیر صراط به راه توحید یا انطباق آن با اعمال صالحه و راهی که از جهنم عبور می‌کند، از جمله وجوه مشترکی است که می‌توان بین دیدگاه ابن عربی و عرفای قبل از وی یافت؛ از سویی ابن عربی بر اساس دیدگاه وحدت وجودی‌اش صراط را امری می‌داند که بر همه موجودات قابل تسری است و بر اساس آیات الهی همه موجودات بر صراط الهی‌اند؛ از آن جهت که همه موجودات جلوه‌های حق‌اند و از این جهت است که حق در همه آنها تسری یافته در نتیجه رحمت الهی در بین همه آنها گسترانده شده است. البته ابن عربی بر اساس برخی تفاسیری که از صراط بیان می‌کند، صراط الله را مخصوص اولیای الهی و افراد خاص می‌داند.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

قرآن کریم.

- آتش، سلیمان، مکتب تفسیر اشاری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱ ش.
- ابن عربی، ابو عبدالله محی الدین محمد، الفتوحات المکیة، ۴ جلد، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ابن عربی، ابو عبدالله محی الدین محمد، تفسیر ابن عربی، تحقیق سمیر مصطفی رباب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
- ابن عربی، ابو عبدالله محی الدین محمد، فصوص الحکم، تهران، الزهراء، چ ۲، ۱۳۷۰ ش.
- ابن عربی، ابو عبدالله محی الدین محمد، مجموعه رسائل ابن عربی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۷ ش.
- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بیروت دار المعرفه، بی تا.
- بابایی، علی اکبر، مکاتب تفسیری، تهران و قم، سمت و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۱ ش.
- بقلی شیرازی، روزبهان، تفسیر عرائس البیان فی حقائق القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۸ م.
- تستری، سهل بن عبدالله، تفسیر التستری، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۳ ق.
- جهانگیری، محسن، محی الدین ابن عربی، تهران، دانشگاه تهران، چ ۶، ۱۳۹۰ ش.

- حکیم، سعاد، *معجم الصوفی*، بیروت، دندره، ۱۴۰۱ ق.
- خوارزمی، تاج‌الدین حسین بن حسن، *شرح فصوص الحکم*، تهران، مولی، ج ۲، ۱۳۶۸ ش.
- ذهبی، محمدحسین، *التفسیر و المفسرون*، قاهره، مکتبه وهبه، بی تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت و دمشق، دار العلم الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- زرکلی، خیرالدین، *الأعلام*، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۸۹ م.
- سلمی، ابو عبدالرحمن محمد بن الحسین، *حقائق التفسیر*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ ش.
- سیوطی، جلال‌الدین، *طبقات المفسرین العشرین*، قاهره، مکتبه وهبه، ۱۳۹۶ ش.
- شاهرودی، عبدالوهاب، *ارغنون آسمانی*، رشت، کتاب مبین، ۱۳۸۳ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ج ۲، ۱۳۹۰ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، ابونصر السراج، *اللمع فی التصوف*، محقق و مصحح رینولد الن نیکلسون، لیدن، مطبعة بریل، ۱۹۱۴ م.
- قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم، *الرسالة القشیریة*، قم، بیدار، ۱۳۷۴ ش.
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم، *لطائف الإشارات*، مصر، الهيئة المصریة العامه للکتاب، ج ۳، ۱۹۸۱ م.
- کاتب چلبی، مصطفی بن عبدالله (حاجی خلیفه)، *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
- کحاله، عمر رضا، *معجم المؤلفین (تراجم مصنفی الکتب العربیة)*، بیروت، مکتبه المثنی، بی تا.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.
- معرفت، محمدهادی، *تفسیر و مفسران*، قم، التمهید، ۱۳۷۹.
- مفید، محمد بن محمد، *تصحیح اعتقادات الإمامیه*، محقق و مصحح حسین درگاهی، قم، کنگره شیخ مفید، ج ۲، ۱۴۱۴ ق.
- میدی، رشیدالدین ابوالفضل، *کشف الأسرار و عدة الأبرار*، (معروف به *تفسیر خواجه عبدالله انصاری*)، به‌اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، ج ۵، ۱۳۷۱ ش.

بازتیین مفهوم «صراط» در تفاسیر عرفانی پیش از ابن عربی و مقایسه آن با ... □ ۱۸۷

- میرعظیمی، سید حمیدرضا، **تشریح و تبیین دین در قرآن و سنت**، تهران، خانه تاریخ و تصویر ابریشمی، ۱۳۹۲ ش.

- نصر، سید حسین، **سه حکیم مسلمان**، ترجمه احمد آرام، تهران، علمی فرهنگی، چ ۹، ۱۳۸۸ ش.

ب) مقاله‌ها

- رامه، زینب؛ سید حمیدرضا میرعظیمی و محمود شیخ، «مفهوم راه در تفاسیر عرفانی پیش از ابن عربی»، **حکمت /سور**، دوره چهاردهم، ش ۱ (۳۹)، ص ۱۱۷- ۸۵، ۱۴۰۱ ش.

- قاسمی پرشکوه، سعید و محمدحسین خوانین زاده، «صراط مستقیم در تفاسیر قرآن و آثار ابن عربی». **معارف قرآنی**، ش ۱، ص ۱۴۶- ۱۲۱، ۱۳۹۲ ش.

- مال میر، محمد ابراهیم و مریم ترکشوند، «تأملی بر صراط مستقیم از منظر ابن عربی»، **ادیان و عرفان**، سال ۴۷، ش ۱، ص ۱۴۶- ۱۲۱، ۱۳۹۳ ش.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی